

# آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندل شینرسون

Torah studies ترجمه کتاب

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

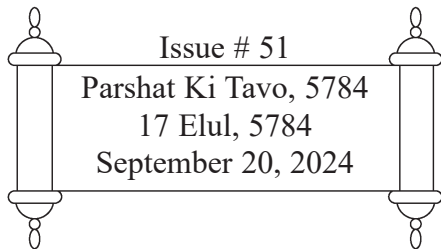
ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:  
Mr. Parviz Mojdehi

\*

Reprinted with permission by:  
Chabad Persian Youth  
&  
Moshiach Awareness Center



Friday, September 20, Light Shabbat Candles, by 6:33 p.m.  
Saturday, September 21, Shabbat ends at 7:36 p.m.  
(Times are for Los Angeles)

IN HONOR OF  
Reb **Benyamin** שיח'י **Shamuilian**  
On the occasion of his birthday,  
22 Elul, 5784

May he go from strength to strength  
in health, happiness, Torah and *mitzvot*.

\*

DEDICATED BY HIS WIFE  
Mrs. **Liat** שתח'י **Shamuilian**

**JEWISH CHILDREN:**  
Get your own letter  
in a Sefer Torah!  
<http://www.kidstorah.org>

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF  
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

Reprinted with permission by:  
CPY & Moshiach Awareness Center,  
Chabad Persian Youth a Project of:  
9022 W Pico Boulevard. Enlightenment For The Blind, Inc.  
Los Angeles, CA 90035 602 North Orange Drive.  
Tel.: (310) 777-0358 Los Angeles, CA 90036  
Fax: (310) 777-0357 Tel.: (323) 934-7095 \* Fax: (323) 934-7092  
<http://www.cpycenter.org> <http://www.torah4blind.org>  
e-mail: [cpycenter@sbcglobal.net](mailto:cpycenter@sbcglobal.net) e-mail: [yys@torah4blind.org](mailto:yys@torah4blind.org)  
**Rabbi Hertzel Peer, Executive Director** **Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director**  
Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

This week's issue is sponsored in part by:

B"H

**YOSEF Y. SHAGALOV**

**Traveling Notary Public & Home Signing Agent**

*Member: National Notary Association*

Cell Phone: (323) 934-7095 • Fax: (323) 934-7092

E-mail: [yys770@aol.com](mailto:yys770@aol.com)

"For All Your Notary Needs - At **Your** Location"

## کی تاوو

پاراشای این هفته شامل چگونگی آوردن میوه های نویر سرزمین بیسرائل به بت همیقداش بوده و دعایی که هر شخصی در موقع آوردن این میوه ها باید بخواند. خصوصیت ویژه این دعا آن است که صحبت از دو معجزه بخصوص می کند. خروج از مصر و نجات حضرت یعقوب از دست لاوان. چرا در این دعا فقط این دو معجزه عنوان شده است؟ این مبحث عنوان می کند که این دو معجزه ارتباط مخصوصی با مراسم اهداء این میوه ها دارند و اهمیت این مراسم را عنوان کرده و تاثیرات آنرا بر زندگی روزمره ما در این زمان مورد بررسی قرار میدهد.

### ۱- دو معجزه

این پاراشا باذکر مراسمی شروع میشود که این مراسم با آوردن میوه های نویر برای تشکر از خداوند به بت همیقداش انجام میشود.

"بحضور خداوند خالقت سر فرود آورده و بگو (لاوان) آرمی می خواست جدم را نابود کند و یعقوب به مصر رفت و با عده کمی در آنجا اقامت گزید ... و خداوند ما را با قدرتی قوی از مصر بیرون آورد ... ما را به این مکان آورده و این سرزمین، سرزمینی را که در آن شیر و عسل جاری است را به ما بخشید. و اکنون نویر حاصل زمینی را که تو خداوند به مادادی را آورده ام..." ۱

عبارت "آرمی می خواست جدم را نابود کند". از طرف راشی و دیگر مفسرین ۲ به عنوان اشاره به لاوان تلقی شده است که قصد داشت یعقوب و در نتیجه همه امت بیسرائل را از بین ببرد. و به این ترتیب آوردن اولین میوه ها نشان دهنده تشکر از خداوند است که یکبار ملت ایسرائل را از دست لاوان نجات داد و باردیگر از دست مصری ها که قصد نابودیش را داشتند. و این بخاطر محبتی بود که خداوند به آنها داشته و آنها را به سرزمینی که شیر و عسل در آن جاریست آورده است.

اما اگر قصد از ادای این دعا آن بوده است که محبت خداوند را نشان داده و از آن تشکر بشود پس چرا فقط این دو مورد عنوان شده است، خلاصی از دست لاوان و خروج از مصر؟ خداوند محبت های بسیار دیگری هم به بیسرائل ها کرده بود که می توانست قابل ذکر باشد از جمله بازشدن دریای سرخ، جنگ با عمالق، معجزه مان و چاه آب در بیابان، جنگ با سیحون و اوگ و غیره و غیره ...



**E-Z Office Machines**  
LA's Easy Office Solution

**In Business Since 1990**

**SALE • SERVICE • REPAIR**  
**RENT • LEASE**

- COPIERS
- LASER PRINTERS
- FAX
- TYPEWRITERS

**ISAAC**  
**310-557-0702**  
FREE PICK-UP  
& DELIVERY

1439 S. ROBERTSON BLVD., LOS ANGELES, CA 90035  
[www.ezofficemachines.com](http://www.ezofficemachines.com)

ممکن است در جواب بگوئیم که این فقط لاوان و مصری ها بودند که تمامی موجودیت بنی یسرائیل را تهدید میکردند پس بنابراین نجات از دست این دشمن ها اساسی تر و قابل ذکر تر از معجزات دیگر بوده است .

اما حتی با این منطق هنوز یک موضوع و معجزه دیگر در این میان عنوان نشده است و آن نجات یعقوب و فرزندانش از دست عساو است . چنانچه عساو هم آنگونه که یعقوب از او می ترسید عمل میکرد "میادا بیاید و مادران را با فرزندان از بین ببرد"<sup>۳</sup> بطور مسلم موجودیت یسرائیل از بین میرفت و ملت یسرائیلی دیگر باقی نمی ماند.

آنچه که بنظر عجیب می آید آن است که حتی راشی هم یک چنین مطلبی را عنوان نمی کند. عدم عنوان موضوع عساو مشکلی را در درک مطلب بالا ایجاد می کند و این وظیفه تفسیر راشی است که اینگونه مشکلات را عنوان کند. اما از سکوت راشی در اینمورد ما اینگونه در می یابیم که به عقیده او اصولا مشکلی وجود ندارد و ما با منطق و یا با در نظر گرفتن تفاسیر قبلی راشی می توانیم درک کنیم که چرا نجات یعقوب از دست عساو در این دعا آورده نشده است .

## ۲- خطر بالقوه و خطر واقعی

شاید توضیح آن است که عساو در واقع یک خطر واقعی نبود. چرا که زمانی که پس از سالها دوری از یعقوب با هم ملاقات کردند صدمه ای به او نزد . خطر وجود او فقط در ذهن یعقوب وجود داشت. در رویارویی او با لاوان نیز در واقع به یعقوب صدمه ای نرسید اما قصد و منظور لاوان در لطمه زدن به یعقوب از نظر خداوند اینگونه به حساب آمد که او آنچه را که قصد داشت در واقع نسبت به یعقوب انجام داد. راشی در تفسیر این پاسوق که "چرا توراه می گوید اَرَمی خواست جَدَم را نابود کند" و چرا نمی گوید "یک فرد اَرَمی (لاوان) می خواست جدم را نابود کند" توضیح میدهد که "از آنجا که او میخواست یک چنین عملی را انجام بدهد خداوند به حساب او آورد که او عملا آنرا انجام داده است برای آنکه خداوند در مورد ملت های غیر یسرائیل قصدشان وخواستشان را همچون عمل به حساب می آورد".

این موضوع همچنین این حقیقت را تاکید می کند که لاوان یک شخص اَرَمی (غیر یسرائیل) بود ولی عساو یک فرد یسرائیل ولی لا مذهب بود.<sup>۴</sup> بنابراین قصد و نظر عساو در صدمه زدن به یعقوب به عنوان یک امکان تلقی شد و نه یک خطر واقعی پس بنابراین لزومی برای

درجه ای از روحانیت که میرسد راضی و خشنود باشد. او می بایست همچنین روحانیت را از دنیای بالا (عالم علوی) به این جهان خاکی پائین بیاورد. و در همه زمینه هایی که میتواند آنرا داخل کند. به جهان کسب و کارش، به زندگی اجتماعیش تا آنجا که نه تنها مسائل این جهانی مانع از رشد روحانیت او نباشند بلکه باعث کامل تر شدن روحانیت او بشوند. و این عمل همچون اهداء اولین میوه های زندگی او هستند و با اهداء آن به دنیای تقدس او آن هدفی را که بخاطر آن جهان خلق شده است را کامل می کند. یعنی بنا کردن محلی برای سکونت خداوند در این جهان بوسیله انسان .

(Source: Likkutei Sichot,  
Vol. 14, pp. 93-98)

(منبع لیکوتی سیخوت جلد دوازدهم صفحه ۹۳ الی ۹۸)

To Place Your Advert  
Here:  
call (323) 934-7095

اشاره به موهبت های داشتن یک سرزمین دائمی می کند (و او ما را به این سرزمین آورده است) سرزمینی که از آن خوبی و سیری حاصل میشود.

یعقوب در حاران به مدت بیست سال و بیسراشل ها در مصر به مدت دویست و ده سال زندگی کردند و در همین سرزمین ها بود که برای پدران ما معجزاتی اتفاق افتاد و این کلمات تورا که می گوید " (لاوان) اَرَمی جَد مرا می خواست نابود کند". تاکید بر این مطلب می کند که چگونه از همان محل سکونت آنها تهدید نابودی آنها شکل گرفته است.

از طرف دیگر عساو زمانی که یعقوب در حال جابجایی و مسافرت بود، برای او تهدیدی به شمار آمد و نه در زمانی که در محلی سکونت داشت. و تمامی معجزات دیگری که برای بیسراشل ها اتفاق افتاد در زمانی بود که یا آنها در حال خروج از مصر بودند و یا در حال عبور از بیابان. به این ترتیب آن معجزات هیچگونه رابطه ای با آن احساس تشکری که بیسراشل ها باید در زمانی که در سرزمین بیسراشل ساکن شده باشند، ندارند، سرزمینی که متعلق به آنها و پر از خوبی است.

#### ۴- هدیه و تشکر از خداوند

حاسیدوت از موضوع تقدیم این میوه ها چه نتیجه ای میگیرد؟

در کتاب "اورهتورا" ۶ آمده است که میوه درخت همچون روح انسان است که در لباس جسم پوشانیده شده است. و این عمل اهداء اولین میوه ها عملی است که سمبل پیوند روح انسان با منبع و سرچشمه حیات یعنی خداوند است. در کتاب هوش نوشته شده است که "پدران شما را همچون اولین میوه های درخت انجیر دیدم" ۷ همانگونه "پدر" نیز به روح انسانی یعنی اولین میوه های درخت انجیر تشبیه شده است. این پیوند روح به منبع آن دارای دو قسمت است. بالا رفتن و ارتقاء آن پیوند زمینی (اهداء میوه ها) و پائین آوردن شخینا (الوهیت) یعنی تفیلاهایی که با آن خوانده میشود.

بنابراین تفیلا (دعا) به معنای ایده پائین آوردن الوهیت می باشد. به این ترتیب سفر یعقوب به حاران یک نزول روحانی تعبیر می شود (نزولی روحانی از بشریوع به فساد حاکم در حاران). ۸ و همین موضوع در مورد سفر بیسراشل ها به مصر نیز صادق است و همین دو نزول روحانی موهبت آزادی بیسراشل ها را با خود به همراه آورد که ملت بیسراشل از نابودی نجات یافتند.

مطالب بالا در زندگی هر فرد یهودی اهمیت بسیار دارد. این کافی نیست که فرد یهودی به هر

۶- پاراشای کی تاوو ص ۱۰۴۰ ۷- هوش ۹۱۰  
۸- رجوع شود به تورا اور لیکوتی سیخوت جلد اول آغاز پاراشای ویتیه

ذکر عساو در این دعای تشکر دیده نشده است. در اینجا ما با یک مشکل روبرو هستیم. چنانچه منظور آن است که خطرهای واقعی عنوان بشود پس موضوع لاوان نیز خطر واقعی به حساب نمی آید. و اگر خداوند آنرا به عنوان خطر واقعی به حساب آورده این فقط برای تنبیه کردن لاوان است و خطری واقعی یعقوب را تهدید نمی کرده. ولی مصری ها یک خطر واقعی بودند و اگر منظور آن است که از خداوند تشکر کنیم که ما را، حتی از خطرهایی که ممکن بوده است که اتفاق بیافتد نجات داده است پس در اینصورت ما می بایست نجات از دست عساو را هم در این دعای تشکر عنوان کنیم.

به این ترتیب ما به این نتیجه می رسیم که این دو نجات بیسراشل ها از مصر و از دست لاوان با یکدیگر ارتباط داشته و با فرمان اهداء اولین میوه های سرزمین بیسراشل بستگی دارند.

#### ۳- محل سکونت

اهداء اولین میوه های درختان زمانی برای بیسراشل ها اجباری است که آنها وارد سرزمین بیسراشل شده، آنرا تصرف کرده، تقسیم کنند و در آن ساکن شوند ۵

از این موضوع ما نتیجه می گیریم که فرمان آوردن میوه ها صرفا یک تشکر از خداوند بخاطر حاصلخیزی زمین نبوده بلکه در اصل بخاطر امتیاز ساکن شدن در این سرزمین به عنوان یک خانه و وطن دائمی می باشد. فقط پس از ساکن شدن در آن است که آنها می توانند با خیال راحت از موهبت های این سرزمین لذت ببرند و اولین میوه های آنرا به عنوان تشکر برای خداوند تقدیم کنند.

آوردن این میوه ها بیان کننده تشکر از خداوند بود، آن خدایی که به آنها سرزمین جاری شونده شیر و عسل را داده و برای آنها این فرصت و موقعیت را فراهم آورده بود که در آن بطور دائم ساکن بشوند. از "میوه های آن بخورند و از خوبی های آن سیر بشوند".

بنابراین آوردن این دو مثال لاوان اَرَمی (از حاران) و مصر، در تورا به ما این مطلب را گوشزد می کند که دشمنان ما و پدران ما از سرزمین هایی بر علیه ما برخاستند که پدران ما در آن سرزمین ها سکونت دائمی داشتند یعنی در حاران و در مصر. از همان جایی که آنها تصور میکردند که این سکونت دائمی نوعی امنیت ظاهری را نیز برای آنها فراهم می آورد. این دشمنان که خواهان نابودی پدران ما و ما بودند بوسیله خداوند شکست خوردند. این دو مورد، حاران و مصر قویا